

## نقش کیفیت حسابرسی در ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود

ابراهیم خاکپور حیدرانلو<sup>۱</sup>، پرویز پیری<sup>۲</sup>، حمزه دیدار<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه.
۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه.
۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه.

نویسنده مسئول: ابراهیم خاکپور حیدرانلو

### چکیده

در این پژوهش به بررسی نقش تعدیل کنندگی کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود پرداخته شده است. بدین منظور داده‌های ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت سالانه در دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع توصیفی و اثباتی و مبتنی بر اطلاعات واقعی گزارشات و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های تلفیقی بهره گرفته شده است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود است. همچنین نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود اثر تعدیل کنندگی منفی و معناداری دارد. در نهایت می‌توان گفت که کیفیت حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود در شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری می‌شود. کیفیت حسابرسی به عنوان نقش تعدیل گر دارای رابطه منفی و معناداری بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت که در شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری مدیریت سود بیشتری اتفاق می‌افتد که کیفیت حسابرسی باعث کاهش این رابطه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** کیفیت حسابرسی؛ گروه‌های تجاری؛ مدیریت سود.

## ۱. مقدمه

گروه‌های تجاری از جمله پدیده‌هایی است که در اقتصادهای نوظهور، اقتصادهای توسعه یافته و همچنین اقتصاد ایران نقش مهمی بازی می‌کند. اگرچه اهمیت گروه‌ها به صورت تجربی اثبات شده است [۵۱]، اما این موضوع به تازگی مورد توجه محققان و پژوهشگران فعال در حوزه دانشگاهی قرار گرفته است. همچنین درک اقتصاددانان از عملکرد گروه‌های تجاری هنوز هم ناچیز است، اگر چه به لحاظ قانونی گروه‌های تجاری وجود خارجی ندارند اما از بعد اقتصادی و حسابداری، گروه‌های تجاری واقعیاتی هستند که انکار آنها غیر ممکن است [۵]. گروه‌های تجاری می‌توانند به عنوان یک بازار تامین مالی داخلی مطرح شود که از طریق آن سرمایه می‌تواند در میان شرکت‌های عضو گروه تقسیم شود. این موضوع می‌تواند منجر به دستیابی به منافع اقتصادی بالاتر شود، به ویژه هنگامی که تامین مالی خارجی نامشخص و سخت باشد [۳۷]. شرایط استقراض و بازپرداخت در بازارهای سرمایه داخلی به مراتب آسان‌تر از مؤسسات، بانک‌ها، و به طور کلی اعتباردهندگان خارجی است. همچنین شرکت‌های عضو گروه‌های تجاری می‌توانند تضمین‌کننده بازپرداخت وام‌های دریافتی دیگر شرکت‌های عضو گروه باشند. این قابلیت، شرکت‌های عضو گروه‌های تجاری را قادر می‌سازد تا با مشکلات کمتری نیازهای مالی خود را برطرف سازند؛ قابلیت‌هایی که شرکت‌های مستقل از آن بی بهره هستند [۱۳]. بیوسلینک و دلوف [۱۷] بیان داشتند که شرکت‌های وابسته به گروه در بلژیک، با استفاده از معاملات درون گروهی، بطور استراتژیک به مدیریت سود می‌پردازند تا از مشوق‌های مالیاتی استفاده نمایند. مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی و یا برای تأثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام می‌دهد [۳۲]. سود حسابداری و اجزای مربوط به آن از جمله اطلاعاتی است که هنگام تصمیم‌گیری توسط استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به اینکه محاسبه سود واحدهای تجاری متأثر از روش‌های برآوردی حسابداری بوده و تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است، ممکن است بنا به دلایل مختلف، مدیریت واحد تجاری اقدام به مدیریت سود کند. بر مبنای تئوری نمایندگی، انگیزه‌ی مدیریت در دستکاری سود می‌تواند به منظور نیل به اهداف خویش صورت گیرد که نه تنها الزاماً با اهداف صاحبان سهام همسو نمی‌باشد، بلکه در اکثر قریب به اتفاق موارد با آنها اهداف متضاد دارد [۱۴]. به عقیده شیپر [۵۳]، مدیریت سود مداخله هدفمند مدیریت در فرآیند گزارشگری مالی در جهت دستیابی به نفع شخصی می‌باشد. این مداخله هدفمند باعث کاهش کیفیت سود گزارش شده می‌شود. بنابراین، جای تعجب ندارد که ذینفعان مختلف شرکت، مدیریت سود را امری نامطلوب و به ضرر منافع خود دانسته و در پی کنترل آن برآیند. یکی از ابزارهایی که می‌تواند فعالیتهای مدیران را کنترل کرده و منافع سهامداران و سایر ذینفعان را حفظ نماید، حسابرسی صورت‌های مالی شرکت هاست. [۲۶]، کیفیت حسابرسی را احتمال اینکه حسابرس هم تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم صاحبکار را کشف کند و هم تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند تعریف می‌کند. احتمال اینکه حسابرس موارد تحریف با اهمیت را کشف کند، به "شناسی" حسابرس و احتمال اینکه حسابرس موارد تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به "استقلال" حسابرس ارتباط پیدا می‌کند. پژوهش‌های پیشین نشان از این دارد که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت می‌تواند کیفیت حسابرسی را تعیین نماید. این روش شناسی بنا بر تایید دی آنجلو در سال ۱۹۸۱، به تعریف کیفیت حسابرسی به عنوان احتمال تشخیص حسابرس و تحریف گزارشات مالی پرداخته است. به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریف و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است، حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود احتمالی توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در راستای اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند [۱۶]. موتکیان و همکاران [۴۸]، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مدیران بنگاه‌های اقتصادی برای جلب نظر اعتبار دهندگان و مطلوب نشان دادن وضعیت سود آوری شرکت به دستکاری سود می‌پردازند و از طرفی شرکت‌های عضو گروه تجاری به دلیل ساختار مالکیت مشترک و تشکیل بازار درون گروهی، به راحتی می‌توانند منابع را بین خود انتقال دهند لذا امکان دستکاری سود توسط اعضای گروه تجاری وجود دارد و حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه می‌کنند، دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوار است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا موسسه‌های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند [۳۶].

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲.۱. گروه‌های تجاری

گروه‌های تجاری به عنوان مجموعه‌ای از شرکت‌ها تعریف می‌شوند که هر چند از نظر قانونی مستقل هستند، اما با یکدیگر رابطه رسمی و غیر رسمی دارند و به یک سری اقدامات هماهنگ عادت کردند [۴۰]. گروه‌های تجاری در استانداردهای حسابداری ایران تعریف شده است؛ بند ۴ استاندارد حسابداری ۱۸، گروه‌های تجاری را به عنوان "واحد تجاری اصلی" و کلیه "واحد‌های تجاری فرعی" آن تعریف می‌کند. استاندارد مذکور و بند ۹ استاندارد ۱۹، "واحد تجاری اصلی" را به عنوان یک واحد تجاری که دارای یک یا چند واحد فرعی است و "واحد تجاری فرعی" را به عنوان یک واحد تجاری که تحت کنترل واحد تجاری دیگری "واحد تجاری اصلی" است تعریف می‌کند [۱۱]. یانگ و همکاران [۵۹] و سیه و همکاران [۳۴]، معتقدند که گروه‌های تجاری شامل شرکت‌های مستقلی است که بر آنها کنترل مالی و اداری صورت می‌گیرد و اهداف مشترک گروه را دنبال می‌کنند. با این حال ساختار مالکیت پیچیده می‌تواند ضمن کنترل سهامداران به سلب مالکیت از گروه اقلیت منجر شود. بر اساس مطالعات صورت گرفته، توزیع مجدد سود در نتیجه عملکرد اعضای گروه صورت می‌گیرد [۲۹]. این مسأله از اهمیت قابل توجهی برخوردار است زیرا در صورت مالکیت متمرکز در نتیجه کنترل سهامداران، مشکلات سازمانی بروز می‌یابد. چرا که سطح بالای نفوذ سهامداران مشکلاتی را برای سهامداران اقلیت در شرکت‌های وابسته فراهم می‌آورد [۴۲].

### ۲.۲. مدیریت سود

در ادبیات حسابداری دو نوع مدیریت سود شناسایی شده است؛ مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی. مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی به این معناست که مدیران سود را از طریق اقلام تعهدی دستکاری می‌کنند که در آن درآمدها یا هزینه‌ها به محض تحقق یا تحمل شناسایی می‌شوند. مدیریت سود

تعهدی در روند تعهدی رخ می‌دهد و شیوه‌های حسابداری انتخاب شده و برآوردهای حسابداری به صورت عمد، سود گزارش شده را تعریف می‌کنند [۲۰]. گوش و اولسن [۳۰]، نشان دادند که مدیران برای کاهش نوسان‌های سود از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند. داس و ژانگ [۲۳]، نشان دادند که مدیران به صورت مصنوعی سود را افزایش می‌دهند تا به سود پیش‌بینی شده توسط تحلیل‌گران برسد. مهرانی و همکاران [۱۵]، مدیریت سود را انتخاب رویه‌های حسابداری توسط مدیر یا انجام اقدامات مؤثر بر سود، به قصد دستیابی به یک مبلغ مشخصی از سود (سود هدف) تعریف می‌کنند. همچنین معتقدند که مدیریت سود می‌تواند بر مبنای ارقام تعهدی یا اقدامات واقعی باشد. در اصطلاح به مدیریت سود با بهره‌گیری از ارقام تعهدی و مبنای حسابداری، مدیریت سود مصنوعی<sup>۱</sup> و به مدیریت سود با بهره‌گیری از اقدامات واقعی، مدیریت سود واقعی می‌گویند. ویلان [۵۷]، معتقد است که حسابداری تعهدی این امکان را به مدیران می‌دهد که با استفاده از ارقام تعهدی اقدام به مدیریت سود کنند که این امر قابلیت اتکای سود و همچنین مربوط بودن آن را کاهش می‌دهد. ابراهیمی و سیدی [۱]، بیان می‌کنند که سود از دو بخش تعهدی و نقدی تشکیل شده است و ارقام تعهدی سود نیز به دو بخش ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می‌شود که ارقام تعهدی اختیاری می‌تواند بیشتر در معرض مدیریت و دستکاری قرار گیرد. مطالعات پیشین مدل‌های مختلفی را برای برآورد ارقام تعهدی اختیاری ارائه کرده است برخی از مدل‌های ارقام تعهدی عبارتند از: مدل جونز، مدل تعدیل شده جونز، مدل کوتاری، مدل کازنیک و مدل دیچو و دچو، که از بین آن‌ها مدل تعدیل شده جونز مقبول‌تر است که موتکیان و همکاران [۴۸]، خواجوی و همکاران [۶]، نمازی و همکاران [۱۶] و ابراهیمی و سیدی [۱] نیز از این مدل در پژوهش خود استفاده کرده‌اند.

### ۳.۲. کیفیت حسابرسی

تعریف‌های مختلفی از کیفیت حسابرسی ارائه شده است. دی آنجلو [۲۶]، معتقد است که کیفیت حسابرسی به شایستگی حسابرسان و استقلال حسابرسان مربوط می‌شود. دیویدسون و نئو [۲۴]، در تعریفی جامع‌تر کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرسان در کشف و برطرف نمودن تحریف‌های با اهمیت و دستکاری‌های انجام شده در سود گزارش شده عنوان می‌نمایند. به دلیل اینکه کیفیت حسابرسی دارای ابعاد متفاوتی است و به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیست، مشخصه حسابرسی خاصی به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری آن وجود ندارد [۴۶]. لذا برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از معیارهای مختلفی استفاده می‌شود. از جمله این معیارها می‌توان به اندازه مؤسسه حسابرسی (دیویدسون و نئو [۲۴]، دوره تصدی حسابرسان داوینس و همکاران [۲۵]، امتیاز و رتبه مؤسسه حسابرسی فرانسیس و یو [۲۸]، تخصص حسابرسان در صنعت حکیم و عمری [۳۱] و حق‌الزحمه حسابرسان واتکینس و همکاران [۵۶] اشاره کرد. با این بیان در این مقاله، به‌منظور اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از دو شاخص حق‌الزحمه حسابرسی و تخصص حسابرسان در صنعت استفاده شده است.

### ۱.۳.۲. حق‌الزحمه حسابرسی

ساختار حق‌الزحمه حسابرسی، موضوعی مناسب برای پژوهش در زمینه کیفیت حسابرسی به شمار می‌رود. رسالت حسابرسی، اعتباربخشی به گزارشگری مالی و اعتماد سازی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بوده و در عوض، منافع اقتصادی حسابرسان از طریق حق‌الزحمه تامین می‌شود [۴۱]. حق‌الزحمه حسابرسی بر اساس بهای تمام شده خدماتی که توسط حسابرسان در فرآیند حسابرسی از صاحبکار دریافت می‌شود بعلاوه تخمینی از زیان‌های آتی ناشی از مسئولیت حسابرسان در برابر گزارش صادر شده، تعیین می‌شود [۵۴]. پیچیدگی شرکت یکی از عوامل افزایش در حق‌الزحمه حسابرسان است. زمانی که عملیات شرکت گسترده و پیچیده باشد، تقاضا برای نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. شرکت‌های با عملیات پیچیده نیازمند خدمات حسابرسی بیشتری هستند. در نتیجه، شرکت‌ها حق‌الزحمه بیشتری را به مؤسسات حسابرسی پرداخت می‌کنند [۵۸]. پالمرز [۴۹]، معتقد است که تحمیل حق‌الزحمه بیشتری توسط مؤسسات بزرگتر به صاحبکار، به این معنی است که کیفیت خدمات حسابرسی آنها مطلوب‌تر است.

### ۲.۳.۲. تخصص حسابرسان در صنعت

با افزایش تخصص حسابرسان، توانایی او در استنباط مشکلات صنعتی که صاحبکار در آن فعالیت می‌کند، افزایش می‌یابد و موجب افزایش مطلوبیت گزارش‌ها و اطلاعات مالی و حسابداری می‌گردد. پژوهش‌های پیشین نشان دادند کشف تحریفات بالقوه، کیفیت ارائه خدمات و کارایی حسابرسانی که در یک صنعت خاص متخصص هستند، نسبت به حسابرسانی که در آن صنعت تخصص ندارند، بالاتر است [۴۴] و [۴۸]. کریشنال [۴۴] و کند [۳۸]، تخصص حسابرسان در صنعت را به صورت زیر تعریف می‌نمایند: "تخصص حسابرسان در صنعت شامل خلق ایده‌های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم نمودن دیدگاه‌ها و راه‌کارهای تازه برای برخی از موضوعاتی که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه‌اند می‌شود". چن و همکاران [۲۱]، در پژوهش خود برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از تخصص حسابرسان در صنعت استفاده کردند. آنها معتقد بودند مؤسسه‌های حسابرسی که در صنعت صاحبکار تخصص داشته باشند، با کیفیت بیشتری به حسابرسی آن می‌پردازند. ژائو و ایلدر [۶۱]، نیز در پژوهش خود از تخصص حسابرسان در صنعت صاحبکار برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده کردند. از آنجا که حالات مختلف تخصص حسابرسان در صنعت به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیست، تحقیقات گذشته شاخص‌های مختلفی را برای اندازه‌گیری تخصص حسابرسان در صنعت بکار گرفته‌اند. رویکردهای سهم بازار و سهم پرتفوی غالباً به‌عنوان شاخص‌هایی برای تخصص حسابرسان در صنعت به کار گرفته می‌شوند [۲] و [۳].

### ۱.۲.۳.۲. سهم بازار حسابرسان

در رویکرد سهم بازار، مؤسسه حسابرسی که خود را از سایر رقبایان از نظر سهم بازار در یک صنعت خاص متمایز کرده است، به‌عنوان حسابرسان متخصص صنعت شناخته می‌شود. مؤسسه‌ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد، از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت برخوردار است [۶۰].

### ۲.۲.۳.۲. سهم پرتفوی حسابرسان

رویکرد سهم پرتفوی، توزیع نسبی خدمات حسابرسی در صنایع مختلف برای هر مؤسسه حسابرسی را مد نظر قرار می‌دهد. این رویکرد بیشتر به راهبردهای مؤسسه حسابرسی مربوط است. صنایع صاحبکار مؤسسه حسابرسی با بیشترین سهم پرتفوی، نشان‌دهنده صنایعی هستند که مؤسسات حسابرسی دانش پایه‌ای

معناداری را در ارتباط با آن صنایع ایجاد کرده‌اند. اساس این رویکرد بر این است که، هر صنعت برای کل پرتفوی صاحبکار حسابرسان چقدر مهم است کریشنان [۴۴] و یو [۶۰]. در این پژوهش از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص حسابرسان در صنعت استفاده شده است.

#### ۴.۲. گروه‌های تجاری، مدیریت سود و کیفیت حسابرسی

عضویت در گروه‌های تجاری شرکت‌ها را به منابع با ارزش متصل می‌کند که معمولاً متعلق به گروه‌های تجاری است که به آنها تعلق دارد. به این ترتیب، وابستگی گروهی به پیوند خاص منابع تبدیل می‌شود و بنابراین بسیاری از جنبه‌های نتایج شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۳۹]. موتکیان و همکاران [۴۸]، بیوسلینگ و دلوف [۱۷]، جایاتی و همکاران [۳۵]، کیم پی [۴۲] و غلامی [۱۰]، در پژوهش‌های خود مدیریت سود را در گروه‌های تجاری بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در گروه‌های تجاری مدیریت سود بیشتری رخ می‌دهد. مدیریت سود یکی از موضوع‌های پرترفدار بین سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، تحلیل‌گران و عموم استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است. به عقیده فیشر مدیریت سود دخالت هدفمند مدیران در فرایند گزارشگری مالی برون سازمانی است. یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود ارتقای کیفیت حسابداری است. زیرا، شرکت‌هایی که سود را دستکاری و مدیریت می‌کنند، بیشتر به دنبال مهیا کردن شرایطی هستند که گزارش حسابرسی تعدیل شده (غیر مقبول) داشته باشند [۹]. پایلا لویس [۵۰]، چن و همکاران [۱۹]، شوئر [۵۲] و اعتمادی و همکاران [۲]، به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و سطح ارقام تعهدی اختیاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با افزایش سطح کیفیت حسابرسی، سطح ارقام تعهدی اختیاری کاهش می‌یابد. به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود احتمالی توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در راستای اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند [۱۶]. اندازه حسابرسان، قدمت و نام تجاری مؤسسات، نمونه‌ای از معیارهای متمایز کننده کیفیت مؤسسات حسابرسی می‌باشد. از طرفی مؤسسه حسابرسی دارای کیفیت بالا باعث کاهش مدیریت سود می‌شود [۷]. به دلیل تأثیر گذاری عوامل متعدد بر نظارت حسابرسان در کاهش مشکلات سازمانی در شرکت‌های وابسته، انجام مطالعات تجربی برای بررسی نقش کیفیت حسابرسی در مدیریت سود در اقتصادهای نوظهور رد شده است. برای مثال حسابرسی در شرایط معاملات مبهم در بازارهای در حال ظهور دشوار است و این امر ممکن است نگرانی‌های خاصی را برای گروه‌های تجاری فراهم آورد و بر کیفیت حسابرسی در چنین محیطی تأثیرگذار باشد [۴۸]. مشابه همین پژوهش توسط موتکیان و همکاران [۴۸]، در بنگلادش با ۹۱۷ سال-شرکت بررسی شد و به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود در شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری می‌شود. با عنایت بر آنچه که اشاره شد، در این پژوهش تلاش می‌شود تا تأثیر گروه‌های تجاری بر مدیریت سود و نقش کیفیت حسابرسی در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس ادبیات پژوهش مشخص شد که گروه‌های تجاری نقش مهمی در توسعه اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه ایفا می‌کنند و مزایایی از جمله دسترسی به منابع مالی شرکت‌های تابعه، انتقال دانش در بین اعضای گروه و اشتراک گذاری ریسک را در پی دارند. با این حال، ممکن است مدیریت سود ناکارآمد در کنار فقدان مکانیسم‌های قانونی حمایت از سرمایه‌گذاران به ایجاد بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران منجر شود. کیفیت حسابرسی یکی از مکانیسم‌های افزایش کیفیت گزارشگری مالی است که در مطالعات اخیر تأثیر آن بر رابطه بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود به ویژه در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه مورد غفلت قرار گرفته است. در این مطالعه تلاش می‌شود تا شکاف تجربی موجود در خصوص بررسی ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود و نقش متغیر مداخله‌گر کیفیت حسابرسی بر این رابطه مورد بررسی قرار گیرد. با این بیان سوال اصلی که پژوهش حاضر به دنبال آن است، عبارت است:

آیا کیفیت حسابرسی اثر تعدیل‌کنندگی منفی بر رابطه بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود دارد؟

#### ۵.۲. پیشینه پژوهش

دجو و همکاران [۲۷]، با پژوهشی تحت عنوان مدل‌های تشخیص مدیریت سود، عملکرد نسبی ۵ روش ارقام معوق اختیاری هیلی و دی آنجلو و جونز تعدیل شده را برای آگاهی از مدیریت سود مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که روش جونز تعدیل شده، آزمون مناسب‌تر و قوی‌تری برای بررسی مدیریت سود می‌باشد.

چن و همکاران [۲۱]، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکت‌هایی مدیریت سود رخ می‌دهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت‌ها می‌شود. سیه و همکاران [۳۴]، با پژوهشی تحت عنوان ویژگی‌های گروه‌های کسب و کار و نوآوری شرکت‌های وابسته در کشور تایوان نشان دادند که شرکت‌های وابسته به گروه بهتر از شرکت‌های مستقل عمل می‌کنند. علاوه بر این گروه‌های تجاری می‌توانند از طریق انتقال منابع از یک شرکت وابسته به شرکت دیگر، سود ببرند. بیوسلینگ و دلوف [۱۷]، در پژوهشی به بررسی مدیریت سود در گروه‌های تجاری در شرکت‌های بلغاری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری، مدیریت سود بالاتری در مقایسه با شرکت‌های مستقل دارند. میکو و کاماردین [۴۷]، به بررسی تأثیر کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر پیشگیری مدیریت سود، قبل و بعد از قوانین حاکمیت شرکتی ۲۰۱۱، در نیجریه پرداختند. بدین منظور آنها پی بردند که کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی در کاهش مدیریت سود کمک شایانی خواهد کرد. هوکه و همکاران [۳۳]، با بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود و هزینه ساختار سرمایه در هند نشان دادند شرکت‌هایی از کیفیت سود بالاتری برخوردارند که از حسابرسان با کیفیت بالاتری استفاده کرده‌اند. شواهد نشان داد وجود مؤسسات حسابرسی بزرگ با کیفیت منجر به کاهش هموار سازی سود می‌شود. موتکیان و همکاران [۴۸]، در پژوهشی با عنوان گروه‌های تجاری، مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در بنگلادش نشان دادند که میزان تعهدات اختیاری با وابستگی به گروه‌های تجاری رابطه مثبت دارد و کیفیت حسابرسی این ارتباط را کاهش می‌دهد. پایلا لویس [۵۰]، به بررسی کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در بنگلادش پرداخت و نشان داد که بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد و مدیریت سود در شرکت‌هایی که توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند به طور قابل توجهی پایین‌تر است. نمازی و همکاران [۱۶]، در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود پرداختند و نشان دادند که بین مدیریت سود و اندازه حسابرسان، یک رابطه مثبت ولی غیر معنادار و همچنین بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرسان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. آقایی و



اردکانی [۳]، در پژوهشی تحت عنوان تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای حسابرس متخصص در صنعت، دارای سطح مدیریت اقلام تعهدی اختیاری پایین‌تری می‌باشند. پور حیدری و دلدار [۴]، با بررسی تأثیر گروه‌های تجاری بر سیاست تقسیم سود، نشان دادند که میزان سود تقسیمی در شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری در مقایسه با شرکت‌های مستقل کمتر است. همچنین نشان دادند که میزان سود تقسیمی در شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری متنوع و بزرگ در مقایسه با شرکت‌های وابسته به سایر گروه‌ها بالاتر است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که هیچ رابطه معناداری بین عمر شرکت و سیاست تقسیم سود نشان نمی‌دهد. مجتهد زاده و بابایی [۷]، با بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی مستقل بر مدیریت سود و هزینه سرمایه سهام، به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی معکوسی بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد. خواجوی و ابراهیمی میمند [۶]، در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه‌های سود نشان دادند که بین احتمال مدیریت سود با هدف دستیابی یا پیش‌گیری از سود سال قبل و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی و امتیاز کنترل وضعیت و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد؛ اما رابطه‌ی معناداری بین کیفیت حسابرسی و آستانه‌های اجتناب از زیان و اجتناب از سود غیر منتظره‌ی منفی یافت نشده است. مشایخی و دلدار [۱۳]، با بررسی رابطه بین مدیریت مالیات و مدیریت سود در گروه‌های تجاری نشان دادند که بین مدیریت مالیات رابطه‌ی منفی معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که شرکت‌های عضو گروه‌های تجاری در مقایسه با شرکت‌های مستقل سودشان را بیشتر مدیریت می‌کنند. همچنین، گروه‌های تجاری متنوع در مقایسه با شرکت‌های مستقل مدیریت سود بیشتری دارند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد با افزایش مالکیت اصلی در فرعی مدیریت سود بالاتری اتفاق خواهد افتاد. دهدار و مژده [۷]، در پژوهش خود با عنوان تأثیر کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر جلوگیری مدیریت سود نشان دادند که بین وجود کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی با مدیریت سود رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. حسنی و عظیم زاده [۶]، در بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی نشان دادند که بین مدیریت سود تعهدی و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و منفی برقرار است. در عین حال، رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی در شرایط ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی، همچنان معنادار و منفی است. سجادی و عربی [۹]، نیز با بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی به این نتیجه رسیدند که با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود روند کاهشی دارد و استقلال حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی در مقایسه با دیگر مولفه‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، تأثیر گذارتر و دارای ارتباط منفی و معناداری به ترتیب با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی می‌باشند.

### ۳. فرضیه‌های پژوهش

با عنایت به ادبیات موضوعی و پیشینه که به اختصار بیان شد، فرضیه‌های پژوهش به ترتیب زیر صورت بندی می‌شوند:

فرضیه اصلی اول: بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه‌ی حسابرسی) و مدیریت سود رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین کیفیت حسابرسی (تخصص حسابرس در صنعت) و مدیریت سود رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی سوم: کیفیت حسابرسی بر رابطه بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی منفی و معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه‌ی حسابرسی) بر رابطه بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی منفی و معناداری دارد.

فرضیه فرعی چهارم: کیفیت حسابرسی (تخصص حسابرس در صنعت) بر رابطه بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی منفی و معناداری دارد.

### ۴. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه این پژوهش در جستجوی دست‌یابی به یک هدف عملی است، لذا از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع توصیفی و اثباتی و مبتنی بر اطلاعات واقعی گزارشات و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین به علت اینکه این پژوهش در حوزه مطالعات پس‌رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) قرار می‌گیرد، از نوع علی پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. لذا قلمرو زمانی پژوهش یک دوره ۱۱ ساله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در نظر گرفته شده است. همچنین در این بازه، شرکت‌هایی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند که اطلاعات مورد نیاز آنها در طول دوره پژوهش در دسترس باشد و سال مالی آن‌ها به ۲۹ اسفند ختم شود، داده‌های مورد نیاز پژوهش در دسترس باشد و جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، بیمه و بانک نباشند؛ زیرا ماهیت مدیریت، فعالیت‌ها و گزارشگری مالی در آنها متفاوت است. پس از اعمال موارد ذکر شده، تعداد ۹۹ شرکت (۱۰۸۹ سال - شرکت) به‌عنوان نمونه برای آزمون فرضیه‌ها انتخاب شدند. همچنین برای طبقه‌بندی و تلخیص داده‌ها از نرم‌افزار Excel 2013 و جهت تحلیل‌های آماری از نرم‌افزارهای Eviews 9 و Stata 14 استفاده شده است.

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای مبانی نظری و پیشینه پژوهش از کتب و مقالات تخصصی جمع‌آوری شد. همچنین داده‌های مورد نیاز پژوهش نیز از گزارش‌ها و صورت‌های مالی حسابرسی شده همراه یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌های اینترنتی نظیر سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین به‌دست آمده است.

### ۵. مدل، متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

برای آزمون هر یک از فرضیه‌های پژوهش از سه مدل رگرسیون خطی چند متغیره با دخالت متغیرهای کنترلی استفاده شده است. مدل‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

$$DAC_{it} = \alpha + \beta_1 BG_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$DAC_{it} = \alpha + \beta_1 AF_{it} + \beta_2 SPEC_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

مدل (۳)

$$DAC_{it} = \alpha + \beta_1 BG_{it} + \beta_2 AF_{it} + \beta_3 SPEC_{it} + \beta_4 (BG * AF)_{it} + \beta_5 (BG * SPEC)_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن ها:

DAC، اقلام تعهدی اختیاری؛ BG، گروه های تجاری؛ AF، حق الزحمه ی حسابرسی؛ SPEC، تخصص حسابرس در صنعت؛ SIZE، اندازه شرکت؛ LEV، نسبت بدهی.

۱.۵. متغیر وابسته: متغیر وابسته پژوهش، مدیریت سود می باشد که از طریق اقلام تعهدی اختیاری که یکی از متغیرهای درون زای این پژوهش می باشد اندازه گیری شده است. برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری ابتدا باید مجموع اقلام تعهدی شرکت در سال مورد نظر محاسبه شود. برای محاسبه مجموع اقلام تعهدی از روش ترازنامه ای و جریان وجوه نقد استفاده می گردد که در این پژوهش به تبعیت از موتکیان و همکاران [۴۸]، لاسودا و بیجا [۴۵] و چینگ و همکاران [۲۲]، از روش ترازنامه ای مطابق مدل (۱) استفاده شده است.

$$TAC_{it} = [(\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta LTD_{it} - \Delta ITP_{it}) - DEP_{it}] \quad \text{مدل (۱)}$$

$TAC_{it}$ ، مجموع اقلام تعهدی شرکت  $t$  طی سال در سال  $t$

$\Delta CA_{it}$ ، تغییرات در دارایی های جاری شرکت  $t$  طی سال های  $t-1$  تا  $t$

$\Delta CASH_{it}$ ، تغییرات در وجه نقد شرکت  $t$  طی سال های  $t-1$  تا  $t$

$\Delta CL_{it}$ ، تغییرات در بدهی های جاری شرکت  $t$  طی سال های  $t-1$  تا  $t$

$\Delta LTD_{it}$ ، تغییرات در حصة جاری بدهی های بلند مدت شرکت  $t$  طی سال های  $t-1$  تا  $t$

$\Delta ITP_{it}$ ، تغییرات در مالیات بر درآمد پرداختنی شرکت  $t$  طی سال های  $t-1$  تا  $t$

$DEP_{it}$ ، هزینه های استهلاک دارایی های مشهود شرکت  $t$  در سال  $t$

اقلام تعهدی اختیاری از تفاوت بین مجموع اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیر اختیاری به دست می آید. به منظور تخمین اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز [۲۷] مطابق مدل (۲) استفاده شده است. موتکیان و همکاران [۴۸]، لاسودا و بیجا [۴۵]، چینگ و همکاران [۲۲]، کویب و جاربونی [۴۳] و نمازی و همکاران [۱۶] در پژوهش های خود از این مدل استفاده کرده اند.

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_0 \frac{1}{TA_{it-1}} + \alpha_1 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it}}{TA_{it-1}} + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

$TA_{it-1}$ ، جمع دارایی های شرکت تحت مطالعه  $t$  در سال  $t-1$

$\Delta REV_{it}$ ، تغییرات درآمد شرکت تحت مطالعه  $t$  طی سال های  $t-1$  تا  $t$

$\Delta AR_{it}$ ، تغییرات حساب ها و اسناد دریافتنی شرکت تحت مطالعه  $t$  طی سال های  $t-1$  تا  $t$

$PPE_{it}$ ، مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت تحت مطالعه  $t$  در سال  $t$

$\alpha_0$ ،  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$  پارامترهای خاص شرکت تحت مطالعه  $t$  در سال  $t$

برای تخمین مدل فوق از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. سپس پارامترهای  $\alpha_0$ ،  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$  بدست آمده برای تخمین اقلام تعهدی غیر اختیاری مطابق مدل (۳) مورد استفاده قرار میگیرد.

$$NDAC_{it} = \alpha_0 \frac{1}{TA_{it-1}} + \alpha_1 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it}}{TA_{it-1}} + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \quad \text{مدل (۳)}$$

$NDAC_{it}$ ، اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت تحت مطالعه  $t$  در سال  $t$

بر اساس مدل تعدیل شده جونز فرض بر این است که اقلام تعهدی غیر اختیاری ثابت است. از آنجا که کل اقلام تعهدی شامل اقلام تعهدی غیر اختیاری و اقلام تعهدی اختیاری است، بنابراین مدل (۳) نشان دهنده اقلام تعهدی غیر اختیاری و  $E_{it}$  به دست آمده از مدل (۲) نشان دهنده اقلام تعهدی اختیاری شرکت خواهد بود. به عبارتی ساده‌تر اقلام تعهدی اختیاری مطابق مدل (۴) بدست می‌آید.

$$DAC_{it} = \frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} - NDAC_{it} \quad \text{مدل (۴)}$$

$DAC_{it}$ ، اقلام تعهدی اختیاری شرکت تحت مطالعه  $t$  در سال  $t$

اقلام تعهدی اختیاری بدست آمده از رابطه بالا، معیار اندازه‌گیری مدیریت سود می‌باشد.

۲،۵. متغیر مستقل: متغیر مستقل در این پژوهش گروه‌های تجاری است. که در این پژوهش، گروه‌های تجاری بر اساس پژوهش موتکیان و همکاران [۴۸]، یانگ و همکاران [۵۹]، مشایخی و دلدار [۱۳]، پور حیدری و دلدار [۴]، از متغیر مجازی صفر و یک استفاده شده است به طوری که اگر شرکت  $t$  در سال  $t$  عضو گروه‌های تجاری باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت (شرکت مستقل) صفر خواهد بود.

۳،۵. متغیر تعدیل‌گر: متغیر تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی می‌باشد که برای اندازه‌گیری آن از دو متغیر حق الزحمه‌ی حسابرسی و تخصص حسابرسان در صنعت استفاده شده است.

۱،۳،۵. حق الزحمه‌ی حسابرسی: حق الزحمه‌ی حسابرسی برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه‌ی حسابرسی شرکت تحت مطالعه [۱۸]، [۱۲] و [۹]. که از یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی به دست آمده است.

۲،۳،۵. تخصص حسابرسان در صنعت: در این پژوهش از سهم بازار به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص حسابرسان در صنعت استفاده شده است. زیرا اوایت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار حسابرسان بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرسان نسبت به سایر رقبا بالاتر است داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) به این نکته اشاره دارد که حسابرسان به‌طور موفقیت‌آمیزی خود را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسانی متمایز کرده است که به‌صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود [۵۵]:

(مجموع دارایی‌های تمام صاحب‌کاران یک مؤسسه حسابرسانی خاص در یک صنعت خاص)

(مجموع دارایی‌های صاحب‌کاران در این صنعت)

به پیروی از پالمرز [۴۹]، در این پژوهش مؤسساتی به‌عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (نسبت فوق) بیشتر از  $1/2 \times$  (شرکت‌های موجود در یک صنعت) باشد. پس از محاسبه سهم بازار یک مؤسسه حسابرسانی، اگر مقدار به‌دست آمده از مقدار معادله فوق بیشتر باشد، یعنی مؤسسه حسابرسانی در آن صنعت متخصص است پس به SPEC عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.

#### ۴،۵. متغیرهای کنترلی

۱،۴،۵. اندازه شرکت: متغیر اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع ارزش دفتری دارایی‌های شرکت، [۴۸]، [۱۸]، [۱۲]، [۶]. به نظر می‌رسد شرکت‌های بزرگتر به دلیل دست‌یابی به منابع مالی بالاتر، امکان بیشتری برای مدیریت سود در قیاس با شرکت‌های کوچکتر داشته باشند.

۲،۴،۵. نسبت بدهی: متغیر نسبت بدهی شرکت در این پژوهش از تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها حاصل می‌شود [۱۲]، [۶]. مدیران می‌توانند با تحت تأثیر قرار دادن روش‌های استقراض شرکت، بر هزینه‌های تأمین مالی و سود حسابداری اثر گذاشته و به مدیریت سود بپردازند.

#### ۶. یافته‌های پژوهش

##### ۱،۶. آمار توصیفی داده‌ها

در این بخش آمار توصیفی پژوهش، شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه و انحراف معیار هر یک از متغیرها ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها می‌باشد. با توجه به نگاره (۱)، می‌توان نتیجه گرفت که به‌طور متوسط، ۰/۰۲ درصد اقلام تعهدی اختیاری در کنترل مدیریت می‌باشد. متوسط حق الزحمه‌ی حسابرسانی که به مؤسسات حسابرسانی پرداخت شده است ۱۲۶۱ میلیون ریال می‌باشد. همچنین نسبت بدهی به‌طور متوسط ۵۹۵/ را نشان می‌دهد که بیانگر این است که حدود ۶۰ درصد بدهی‌های شرکت مربوط به دارایی‌ها می‌باشد و متوسط لگاریتم طبیعی اندازه شرکت ۲۷/۳۸۵ می‌باشد. با توجه به نگاره مذکور، دامنه اندازه شرکت بین ۲۴/۹۹۶ و ۳۰/۶۰۸ می‌باشد. انحراف معیار داده‌ها، پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد که بیشترین و کمترین مقدار انحراف معیار، متعلق به متغیرهای اندازه شرکت (۱/۳۳۶) و اقلام تعهدی اختیاری (۰/۰۲۰) است.

نگاره (۱). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
اقلام تعهدی اختیاری	۰/۰۲۰	-۰/۰۰۹	۰/۳۲۵	-۰/۲۷۰	۰/۱۳۰
حق الزحمه‌ی حسابرسانی (م ریال)	۱،۲۶۱	۶۸۹	۷،۱۷۵	۱۵۲	۱،۵۴۳
لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسانی	۲۰/۴۴۶	۲۰/۳۵۰	۲۲/۸۱۸	۱۸/۷۱۲	۰/۹۸۰
نسبت بدهی	۰/۵۹۵	۰/۶۰۶	۱/۰۷۵	۰/۱۷۰	۰/۲۰۵
اندازه شرکت (م ریال)	۲،۷۵۷،۱۰۴	۷۱۵،۸۰۰	۴۴،۹۸۸،۳۹۶	۶۱،۳۶۵	۷،۲۶۷،۶۱۰
لگاریتم طبیعی اندازه شرکت	۲۷/۳۸۵	۲۷/۲۹۶	۳۰/۶۰۸	۲۴/۹۹۶	۱/۳۳۶

همچنین با توجه به این‌که متغیرهای گروه‌های تجاری و تخصص حسابرس در صنعت از نوع متغیرهای مجازی (دو وجهی) می‌باشند. لذا در نگاره (۳ و ۲) توزیع فراوانی این متغیرها ارائه شده است. آمار نمونه‌ها نشان می‌دهد از ۱۰۸۹ سال- شرکت ۶۵۴ شرکت به عبارتی ۶۰ درصد شرکت‌ها وابسته به گروه‌های تجاری و بقیه مستقل می‌باشند. همچنین از ۱۰۸۹ سال- شرکت ۷۰۷ شرکت به عبارتی ۶۵ درصد شرکت‌ها توسط مؤسسات حسابرسی که دارای تخصص در صنعت می‌باشند حسابرسی شده‌اند.

نگاره (۲). توزیع فراوانی متغیر گروه‌های تجاری

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
شرکت وابسته به گروه‌های تجاری می‌باشد.	۶۵۴	۶۰
شرکت مستقل می‌باشد.	۴۳۵	۴۰
جمع کل	۱۰۸۹	۱۰۰

نگاره (۳). توزیع فراوانی متغیر تخصص حسابرس در صنعت

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
حسابرس در صنعت دارای تخصص می‌باشد.	۷۰۷	۶۵
حسابرس در صنعت دارای تخصص نمی‌باشد.	۳۸۲	۳۵
جمع کل	۱۰۸۹	۱۰۰

### ۲.۶. بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

در مقاله حاضر، برای تعیین مانایی متغیرهای پژوهش از آزمون فیشر و لوین، لین و چو استفاده شده است. نتایج نگاره (۴) بیانگر این موضوع است که متغیرها طی دوره پژوهش مانا بوده‌اند، چرا که احتمال آماره برای هر دو آزمون مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد، کمتر از ۵ درصد بوده است. به علت اینکه سنجش متغیرهای مجازی (دووجهی)، نامفهوم است لذا از ارائه آن‌ها خودداری شده است.

نگاره (۴). آزمون مانایی متغیرهای پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪

نتیجه	Levin, Lin & Chu		Fisher Chi-square		متغیرها
	احتمال آماره	مقدار آماره	احتمال آماره	مقدار آماره	
مانا	۰/۰۰۰۰	-۲۷/۹۳۵	۰/۰۰۰۰	۵۱۰/۱۱۰	اقدام تعهدی
مانا	۰/۰۰۰۰	-۲۰/۲۰۲	۰/۰۰۰۰	۳۶۷/۳۰۰	حق الزحمه حسابرسی
مانا	۰/۰۰۰۰	-۱۸/۶۷۱	۰/۰۰۰۴	۲۷۲/۲۴۵	نسبت بدهی
مانا	۰/۰۰۰۰	-۲۰/۹۳۰	۰/۰۰۲۸	۲۲۶/۹۲۲	اندازه شرکت

### ۳.۶. همبستگی بین متغیرهای پژوهش

پس از توصیف آماری داده‌ها و آزمون مانایی آنها رابطه همبستگی بین متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. منظور از همبستگی شدت وابستگی دو متغیر به یکدیگر است. تحلیل همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه یک متغیر کمی با یک متغیر کمی دیگر است. مطابق نگاره (۵)، با توجه به احتمال آماره دو به دو متغیرهای مستقل، اگرچه فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در برخی موارد رد می‌شود اما به علت آنکه همبستگی آنها شدید نبوده این موضوع منجر به بروز پدیده هم خطی و ایجاد اختلال در تحلیل‌ها نخواهد شد.

نگاره (۵). نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

متغیرها	اقدام تعهدی	گروه‌های تجاری	حق الزحمه‌ی حسابرسی	تخصص حسابرسی	نسبت بدهی	اندازه شرکت
اقدام تعهدی	همبستگی	۱/۰۰۰	---	---	---	---
	احتمالات	---	---	---	---	---
گروه‌های تجاری	همبستگی	۱/۰۰۰	---	---	---	---
	احتمالات	---	---	---	---	---
حق الزحمه‌ی حسابرسی	همبستگی	۰/۰۰۹	۰/۰۷۵	۱/۰۰۰	---	---
	احتمالات	---	---	---	---	---
تخصص حسابرسی	همبستگی	۰/۱۲۵	۰/۰۱۲	۰/۲۳۶	۱/۰۰۰	---
	احتمالات	---	---	---	---	---
نسبت بدهی	همبستگی	۰/۹۳۴	۰/۴۷۶	۰/۰۰۰	۰/۱۱۸	۱/۰۰۰
	احتمالات	---	---	---	---	---
اندازه شرکت	همبستگی	۰/۲۸۲	۰/۱۱۷	۰/۱۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۷۹
	احتمالات	---	---	---	---	---
	همبستگی	۰/۰۱۹	۰/۰۹۷	۰/۲۶۹	۰/۳۹۱	۱/۰۰۰
	احتمالات	---	---	---	---	---



#### ۴.۶. تعیین مدل داده‌های پژوهش و نوع اثرات آن‌ها

یکی از مواردی که جهت انتخاب آزمون رگرسیونی مناسب مورد تاکید و استفاده قرار می‌گیرد، تشخیص مدل داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی (پنل) جهت برآورد مدل می‌باشد. برای این منظور از آزمون بروش-پاگان در این پژوهش استفاده شده است. با توجه به نگاره (۶)، نتیجه حاصل از آزمون مذکور برای مدل‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش حاکی از این است که فرض صفر این آزمون رد شده و داده‌های مربوطه از روش پنل تبعیت می‌کنند. همچنین برای مشخص کردن الگوی فرضیه‌ها و انتخاب یکی از دو الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است. با توجه به نگاره (۶)، فرض صفر این آزمون رد شده و می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مناسب برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، الگوی اثرات ثابت می‌باشد.

#### نگاره (۶). نتایج آزمون بروش-پاگان و هاسمن

فرضیه	بروش-پاگان		نتیجه آزمون	هاسمن		نتیجه آزمون
	مقدار آماره	احتمال آماره		مقدار آماره	احتمال آماره	
فرضیه اصلی (۱)	۲۸/۲۷۶۴	۰/۰۰۰۰	پنل	۴۸/۰۷۰۴	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
فرضیه اصلی (۲)	۳۱/۴۴۴۵	۰/۰۰۰۰	پنل	۴۹/۵۶۷۸	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
فرضیه اصلی (۳)	۲۷/۲۴۶۱	۰/۰۰۰۰	پنل	۴۲/۹۱۶۰	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

#### ۵.۶. آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی فرضیه‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش به بررسی ناهمسانی واریانس و خود همبستگی سریالی بین اجزای اخلاص مدل پرداخته می‌شود. برای این منظور از آزمون والد تعدیل شده برای کشف ناهمسانی واریانس و از آزمون ولدریج برای بررسی خود همبستگی سریالی استفاده شده است. نتایج آزمون والد تعدیل شده در نگاره (۷) نشان می‌دهد که بین اجزای اخلاص مدل در هر سه فرضیه ناهمسانی واریانس وجود دارد. در نتیجه برای رفع ناهمسانی واریانس در این پژوهش در برازش نهایی مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود. همچنین نگاره (۷) نتایج آزمون ولدریج را نشان می‌دهد، حاکی از این است که مشکل خود همبستگی وجود دارد که جهت رفع آن از جزء AR(1) استفاده شده است.

#### نگاره (۷). نتایج آزمون والد تعدیل شده و ولدریج

فرضیه	والد تعدیل شده		نتیجه آزمون	ولدریج		نتیجه آزمون
	مقدار آماره	احتمال آماره		مقدار آماره	احتمال آماره	
فرضیه اصلی (۱)	۲۱۲۶/۰۵	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی دارد	۸/۸۷۹	۰/۰۰۳۶	خودهمبستگی دارد
فرضیه اصلی (۲)	۲۹۱۰/۷۹	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی دارد	۸/۶۹۷	۰/۰۰۴۰	خودهمبستگی دارد
فرضیه اصلی (۳)	۵۱۱۲/۸۲	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی دارد	۱۱/۵۲۰	۰/۰۰۱۰	خودهمبستگی دارد

#### ۶.۶. آزمون نهایی فرضیه‌های پژوهش

پس از انجام آزمون ناهمسانی واریانس، آزمون خودهمبستگی و تعیین الگوی مدل، با استفاده از نتایج آنها اقدام به برازش مدل رگرسیونی شد که نتایج حاصله به تفکیک فرضیه‌ها در ادامه به نمایش درآمده است. لازم به توضیح اینکه فرضیه‌های اصلی مورد آزمون قرار گرفته‌اند و نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی به علت اینکه در نتایج فرضیه‌های اصلی قابل مشاهده می‌باشد خودداری شده است. فرضیه اصلی (۱) به بررسی تأثیر وابستگی گروه‌های تجاری بر مدیریت سود اشاره دارد. در این فرضیه از دو متغیر کنترلی اندازه شرکت و نسبت بدهی استفاده است.

#### نگاره (۸). نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
گروه‌های تجاری	۰/۰۲۴۵	۰/۰۱۲۲	۱/۹۹۳۵	۰/۰۴۶۵
نسبت بدهی	-۰/۳۱۶۸	۰/۰۲۹۳	-۱۰/۸۰۲۹	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۷۷	-۰/۸۳۳۰	۰/۴۰۵۱
مقادیر ثابت	-۰/۰۰۲۰	۰/۲۰۹۷	-۰/۰۰۹۸	۰/۹۹۹۲
AR (1)	-۰/۰۸۴۰	۰/۰۳۰۴	-۲/۷۵۷۴	۰/۰۰۵۹
ضریب تعیین			۰/۲۹۹۵	
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۲۱۹۰	
آماره دوربین-واتسون			۲/۱۴۴۵	
آماره f			۳/۷۱۹۵	
احتمال آماره f			۰/۰۰۰۰	

همانطور که درنگاره (۸) مشاهده می‌شود، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیر مستقل و کنترلی حدود ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. معناداری آماره  $F(3/7195)$  و احتمال آماره  $F(0/0000)$ ، بیانگر معناداری کلی مدل بوده در نتیجه مدل مربوط به فرضیه اول پژوهش می‌تواند ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را توضیح دهد. همچنین مقدار آماره  $F$  دوربین واتسون ( $2/1445$ ) بین  $1/5$  و  $2/5$  قرار دارد که نشان می‌دهد خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد.

با توجه به نتایج ارائه شده، احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر وابستگی گروه‌های تجاری بر مدیریت سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ( $0/0465$ ) و ضریب متغیر ( $0/0245$ ) حاکی از این است که فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. در نتیجه وابستگی گروه‌های تجاری بر مدیریت سود تأثیر معنادار و مستقیم دارد. همچنین متغیر کنترلی نسبت بدهی با احتمال آماره ( $0/0000$ ) و ضریب منفی ( $-0/3168$ ) رابطه معنادار و معکوس با مدیریت سود و متغیر کنترلی اندازه شرکت با احتمال آماره ( $0/4051$ ) رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد. فرضیه اصلی (۲) به بررسی تأثیر کیفیت حسابداری (حق‌الزحمه‌ی حسابداری و تخصص حسابرسان در صنعت) بر مدیریت سود اشاره دارد در این فرضیه نیز از دو متغیر کنترلی اندازه شرکت و نسبت بدهی استفاده شده است.

نگاره (۹). نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
حق‌الزحمه‌ی حسابداری	-0/0034	0/0043	-0/7763	0/4378
تخصص حسابرسان در صنعت	0/0058	0/0054	1/0893	0/2763
نسبت بدهی	-0/3054	0/0247	-12/3195	0/0000
اندازه شرکت	0/0014	0/0057	0/2454	0/8062
مقادیر ثابت	0/2094	0/1674	1/2511	0/2112
AR (1)	-0/0837	0/0226	-2/5614	0/0106
ضریب تعیین			0/3015	
ضریب تعیین تعدیل شده			0/2203	
آماره دوربین-واتسون			2/1439	
آماره f			3/7129	
احتمال آماره f			0/0000	

همانطور که درنگاره (۹) مشاهده می‌شود، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای تعدیل‌گر و کنترلی ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. معناداری آماره  $F(3/7129)$  و احتمال آماره  $F(0/0000)$ ، بیانگر معناداری کلی مدل بوده در نتیجه مدل مربوط به فرضیه دوم پژوهش می‌تواند ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را توضیح دهد. همچنین مقدار آماره  $F$  دوربین واتسون ( $2/1439$ ) بین  $1/5$  و  $2/5$  قرار دارد که نشان می‌دهد خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد.

با توجه به نتایج ارائه شده، احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر کیفیت حسابداری (حق‌الزحمه‌ی حسابداری و تخصص حسابرسان در صنعت) بر مدیریت سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد، به ترتیب برابر ( $0/7375$ ) و ( $0/2763$ )، حاکی از این است که فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. در نتیجه کیفیت حسابداری (حق‌الزحمه‌ی حسابداری و تخصص حسابرسان در صنعت) بر مدیریت سود تأثیر معنادار ندارد. همچنین متغیر کنترلی نسبت بدهی با احتمال آماره ( $0/0000$ ) و ضریب منفی ( $-0/3054$ ) رابطه معنادار و معکوس با مدیریت سود و متغیر کنترلی اندازه شرکت با احتمال آماره ( $0/8062$ ) رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد.

هدف فرضیه اصلی (۳) بررسی اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری بر رابطه بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود می‌باشد. مدل رگرسیونی فرضیه اول و دوم اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری را در نظر نمی‌گیرند لذا برای بررسی اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری و بررسی سوال اصلی پژوهش از مدل رگرسیونی کلی سوم استفاده شده است.

نگاره (۱۰). نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
گروه‌های تجاری	0/3338	0/1457	2/2914	0/0222
حق‌الزحمه‌ی حسابداری	0/0044	0/0028	1/5798	0/1145
تخصص حسابرسان در صنعت	0/0243	0/0098	2/4620	0/0140
گروه‌های تجاری * حق‌الزحمه‌ی حسابداری	-0/0142	0/0065	-2/1621	0/0309
گروه‌های تجاری * تخصص حسابرسان	-0/0277	0/0131	-2/1000	0/0360
نسبت بدهی	-0/2878	0/0285	-10/093	0/0000
اندازه شرکت	0/0010	0/0060	0/1715	0/8638
مقادیر ثابت	0/0238	0/1725	0/1384	0/8899
AR (1)	-0/0866	0/0290	-2/9794	0/0030
ضریب تعیین			0/3191	

۰/۲۳۷۴

۲/۱۵۶۱

۰/۹۰۴۷

۰/۰۰۰۰

ضریب تعیین تعدیل شده

آماره دوربین-واتسون

آماره f

احتمال آماره f

همانطور که در نگاره (۱۰) مشاهده می‌شود، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل، تعدیل‌گر و کنترلی حدود ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. معناداری آماره F (۰/۹۰۴۷) و احتمال آماره F (۰/۰۰۰۰)، بیانگر معناداری کلی مدل بوده در نتیجه مدل مربوط به فرضیه دوم پژوهش می‌تواند ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را توضیح دهد. همچنین مقدار آماره F دوربین واتسون (۲/۱۵۶۱) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد که نشان می‌دهد خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد.

با توجه به نتایج ارائه شده، همانطور که مشاهده می‌شود در این فرضیه نیز ضریب گروه‌های تجاری (۰/۳۳۳۸) مثبت می‌باشد و مثبت بودن ضریب گروه‌های تجاری بیانگر آن است که در وابستگی گروه‌های تجاری مدیریت سود افزایش می‌یابد. و احتمال آماره F (۰/۰۲۲۲) در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که رابطه آنها معنادار می‌باشد. همچنین متغیر حق الزحمه‌ی حسابرسی با احتمال آماره F (۰/۱۱۴۵) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد ولی متغیر تخصص حسابرسی در صنعت با احتمال آماره F (۰/۰۱۴۰) و ضریب مثبت (۰/۰۲۴۳) رابطه مستقیم و معناداری با مدیریت سود دارد. اما آن‌چه که در این فرضیه مهم است نتیجه تأثیر وابستگی گروه‌های تجاری بر مدیریت سود با اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و تخصص حسابرسی در صنعت) می‌باشد. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره (۱۰) احتمال مربوط به فرض صفر، مبنی بر عدم تأثیر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و تخصص حسابرسی در صنعت) بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد با احتمال آماره F به ترتیب (۰/۰۳۰۹) و (۰/۰۳۶۰) در سطح خطای ۵ درصد می‌شود و با توجه به ضرایب منفی هر دو متغیر به ترتیب (۰/۰۱۴۲) و (۰/۰۲۷۷) می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و تخصص حسابرسی در صنعت) بر رابطه بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی معنادار و معکوسی دارد. همچنین متغیر کنترلی نسبت بدهی با احتمال آماره (۰/۰۰۰۰) و ضریب منفی (۰/۲۸۷۸) رابطه معنادار و معکوس با مدیریت سود و متغیر کنترلی اندازه شرکت با احتمال آماره (۰/۸۶۳۸) رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد.

#### ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود بوده است. بر اساس مبانی نظری، شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری در مقایسه با شرکت‌های مستقل سودشان را بیشتر مدیریت می‌کنند. این کار احتمالاً با استفاده از مبادلات درون گروهی و قیمت‌گذاری انتقالی که متفاوت با ارزش بازار است، صورت می‌گیرد. همچنین می‌توان گفت که در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه به دلیل ضعف‌های سازمانی، حقوقی و نبود استاندارد در بخش مدیریت سود بیشتر به چشم می‌خورد. لذا کاربران مالی نیازمند بررسی کیفیت حسابرسی برای ارزیابی مناسب مدیریت سود در گروه‌های تجاری می‌باشند. در این پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده در فرضیه اول مشخص شد که شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری رابطه معنادار و مثبتی با مدیریت سود دارند به عبارتی می‌توان گفت که در شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری مدیریت سود بیشتری اتفاق می‌افتد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج موتکیان و همکاران [۴۸]، بیوسلینگ و دلوف [۱۷]، جایاتی و همکاران [۱۳] و کیم و بی [۴۲] مطابقت دارد. در فرضیه دوم اثر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود که با دو معیار حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و تخصص حسابرسی در صنعت اندازه‌گیری شده بود مشخص شد که رابطه معناداری بین آنها وجود ندارد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش‌های پیشین پایلا لویس [۵۰]، چن و همکاران [۱۹]، کیم [۴۲]، شوئر [۵۲] و اعتمادی و همکاران [۲]، که به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و سطح اقلام تعهدی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با افزایش سطح کیفیت حسابرسی، سطح اقلام تعهدی اختیاری کاهش می‌یابد، مطابقت ندارد. ولی با پژوهش‌های نمازی و همکاران [۱۶] و دهدار و مزده [۷] مطابقت دارد. اگر برای فرضیه دوم از سایر معیارهای کیفیت حسابرسی مانند اندازه موسسه حسابرسی، دوره تصدی و... استفاده می‌شد احتمالاً نتیجه مطلوب‌تری به دست می‌آمد. در فرضیه سوم مشخص شد که کیفیت حسابرسی به عنوان نقش تعدیل‌گر دارای رابطه منفی و معناداری بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت که در شرکت‌های وابسته به گروه‌های تجاری مدیریت سود بیشتری اتفاق می‌افتد که کیفیت حسابرسی باعث کاهش این رابطه می‌شود. نتایج حاصل از فرضیه سوم با نتایج پژوهش خارجی موتکیان و همکاران [۴۸]، مطابقت دارد.

با توجه به نتایج حاصل شده در طی انجام پژوهش، به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، حسابرسان و مجمع عمومی صاحبان سهام، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود تا در فرایندهای تصمیم‌گیری‌شان خطاهای کمتری داشته باشند:

به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری توصیه می‌شود که استانداردهایی را تدوین کنند که آزادی عمل مدیران را در انتخاب چندین راه‌حل محدود نمایند تا شاهد هموار سازی سود و یا تحریف اقلام تعهدی از سوی مدیریت نباشیم به خاطر اینکه در فرآیند تدوین استانداردهای حسابداری در ایران توسط سازمان حسابرسی، ادبیات و تعریف شفافی از مدیریت سود ارائه نشده است. برخی از مدیران شرکت‌های بزرگ از دانش کافی برخوردار هستند و می‌توانند به راحتی بین گروه‌های تجاری اقدام به دستکاری اقلام تعهدی نمایند، لذا به حسابرسان پیشنهاد می‌شود در طراحی آزمون‌های کنترلی و محتوا دقت و وقت بیشتری را اختصاص دهند. همچنین با توجه به فرضیه سوم که سوال اصلی پژوهش بود مشخص شد که افزایش کیفیت حسابرسی (تخصص حسابرسی در صنعت و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی) موجب کاهش مدیریت سود در گروه‌های تجاری می‌شود. لذا به مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که نسبت به تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرسان بیش از پیش توجه نمایند. ضمناً در تعیین حسابرسان موضوع تخصص آنها بر اساس سهم بازار را در نظر داشته باشند.

برخی از پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی نیز به شرح ذیل قابل ارائه است:

مطالعات آتی می‌توانند شرکت‌ها را بر اساس صنعت، طبقه‌بندی نموده و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت واقعی سود را در صنعت بررسی کنند. بررسی نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود واقعی. بررسی تاثیر وابستگی گروه‌های تجاری بر حاکمیت شرکتی شرکت‌های عضو در گروه‌های متنوع و غیر متنوع. بررسی تاثیر وابستگی گروه‌های تجاری بر حاکمیت شرکتی شرکت‌های عضو در گروه‌های متنوع و غیر متنوع با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری. مقایسه قدرت توضیحی سایر معیارهای کیفیت حسابداری (اندازه‌ی مؤسسه حسابداری، دوره تصدی و...) بر ارتباط بین وابستگی گروه‌های تجاری و مدیریت سود.

## ۸. منابع

- [۱] ابراهیمی کردلر، ع. و سیدی، س. ع. (۱۳۸۷). نقش حساب‌رسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۱۶، ۳-۱۶.
- [۲] اعتمادی، ح. آذر، ع. و اردکانی، م. (۱۳۸۹). بررسی نقش تخصص حساب‌رس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد آتی. دانش حسابداری، ۱(۱)، ۹-۲۸.
- [۳] آقایی، م. و ناظمی‌اردکانی، م. (۱۳۹۱). تخصص حساب‌رس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری. دانش حسابداری، ۱۲(۴۶)، ۱۷-۴.
- [۴] پورحیدری، ا. و دلدار، ا. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر گروه‌های تجاری بر سیاست تقسیم سود. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۵(۱۴)، ۸۴-۶۷.
- [۵] پورحیدری، ا. و فدوی، م. (۱۳۹۲). گروه‌های تجاری: واقعیت اقتصادی ناشناخته. مطالعات حسابداری و حسابداری، ۸(۸)، ۱۲۳-۱۰۵.
- [۶] خواجوی، ش. و ابراهیمی‌میمند، م. (۱۳۹۴). رابطه‌ی بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه‌های سود. دانش حسابداری، ۲۲(۶)، ۵۶-۲۹.
- [۷] دهمدار، ف. و مژده، م. (۱۳۹۵). تأثیر کمیته حسابداری و کیفیت حسابداری بر جلوگیری از مدیریت سود. فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، ۳(۱۶)، ۱-۱۱.
- [۸] سجادی، ح. رشیدی باغی، م. ابوبکری، ع. و شیرعلیزاده، م. (۱۳۹۴). رابطه بین حق‌الزحمه‌ی حسابداری و پاداش هیئت مدیره. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳(۱۱)، ۵۸-۳۹.
- [۹] سجادی، س. و عربی، م. (۱۳۸۹). تأثیر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود. حسابدار رسمی، ۶(۱۲)، ۱۰۸-۱۰۴.
- [۱۰] غلامی، ح. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین عضویت در گروه تجاری و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- [۱۱] کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران. (۱۳۹۰). استانداردهای حسابداری ایران، نشریه شماره ۱۶۰، تهران، انتشارات سازمان حسابداری
- [۱۲] لاری‌دشتیبیاض، م. و اورادی، ج. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابداری و حق‌الزحمه‌ی حسابداری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۲۲)، ۹۴-۶۴.
- [۱۳] مشایخی، ب. و دلدار، م. (۱۳۹۵). ارتباط مدیریت مالیات و مدیریت سود در گروه‌های تجاری. مجله دانش حسابداری، ۷(۷)، ۵۸-۳۳.
- [۱۴] مشایخی، ب.، مهرانی، س.، مهرانی، ک. و کرمی، غ. (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود. بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۱۲(۴)، ۷۴-۶۱.
- [۱۵] مهرانی، س.، کرمی، غ.، سید حسینی، م. و جهرمی، م. (۱۳۹۷). تئوری حسابداری جلد دوم (چاپ چهارم)، تهران، انتشارات نگاه دانش.
- [۱۶] نمازی، م.، بایزیدی، ا. و جبارزاده، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود. نشریه تحقیقات حسابداری و حسابداری، ۳(۹)، ۹-۱.

- [17] Beuselinck., Marc Deloof. (2014). Earnings Management in Business Groups: Tax Incentives or Expropriation Concealment? The International Journal of Accounting, 49(1), 27-52.
- [18] Chan, Y. M. Liu, G., Sun, J. (2013). Independent audit committee members, board tenure and audit fees. Accounting & finance, 53(4), 1129-1147.
- [19] Chen, H., Chen, J.Z., Lobo, G., Wang, Y. (2011). Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1105539>
- [20] Chen, J. Z., Rees, L. L., Sivara makrishnan, s. (2010). On the use of accounting vs. real earnings management to meet earnings expectations-A market analysis. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1070122> <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1070122>.
- [21] Chen, K., Lin L. K., Zhou, J. (2005). Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO firms. Managerial Accounting Journal, 20(1), 86-104.
- [22] Ching, C.P., Teh, B.H., San, O.T. & Hoe, H.Y. (2015). The relationship among audit quality, earnings management, and financial performance of Malaysian public listed companies, International Journal of Economics & Management, 9(1), 211-229.
- [23] Das, S., Zhang, H. (2003). Rounding-up in reported EPS, behavior AL thresholds, and earnings management. Journal of Accounting and Economics, 35(1), 31-50.
- [24] Davidson, R.A., D, Neu. (1993). A Note on Association between Audit Firm Size and Auditor Quality. Contemporary Accounting Research, 9(2), 479-488.
- [25] Davis, L. R., Soo, B. S., & Trompeter, G. M. (2009). Auditor tenure and the ability to meet or beat earnings forecasts. Contemporary Accounting Research, 26(2), 517-548.
- [26] Deangelo, L. E. (1981). Auditor Size and Audit Quality. Journal of Accounting and Economics, 3(3), 183-199.
- [27] Dec how, P. M., Sloan, R. G., Sweeney, A. P. (1995). Detecting Earnings Management. Accounting Review, 70(2), 193-225.
- [28] Francis, J. R., & Yu, M. D. (2009). Big 4 office size and audit quality. The Accounting Review, 84(5), 1521-1552.
- [29] George, R., Kabir, R. (2008). Business groups and profit redistribution: a boon or a bane for firms? Journal of Business Research, 61(9), 1004-1014.
- [30] Ghosh, Dipankar., Olsen, Lori. (2009). Environmental uncertainty and manager, use of discretionary accrual. Accounting, Organizations and Society, 34(2), 188-205.
- [31] Hakim, F., Omari, M. A. (2010). Quality of the external auditor, information asymmetry, and bid-ask spread: case of the listed Tunisian firms. International Journal of Accounting & Information Management, 18(1), 5-18.
- [32] Healy, P. M., Whalen, J. M. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting. Accounting Horizons, 13(4), 365-383.



- [33] Houqe, N., Ahmed, K., Tony, V.Z. (2015). Effect of Audit Quality on Earnings Quality and Cost of Equity Capital: Evidence from India. Working paper Series, No 95, Center for Accounting, Governance and Taxation Research, Victoria University of Wellington, New Zealand.
- [34] Hsieh, T., Yeh, R., Chen, Y. (2010). Business Group Characteristics and affiliated firm innovation: the case of Taiwan. *Industrial Marketing Management*, 13(4), 365-383.
- [35] Jayati, Sarkar., Subrata, Sarkar., Kaustav, Sen. (2013). Insider control, Group affiliation and Earning Management in Emerging Economies: Evidence from India, Working paper series. <http://ssrn.com/abstract=2197713>.
- [36] Jenin., Piot. (2005). Audit Quality and Earnings Management in France. Working Paper *Industrial and Corporate Change*, 111-148.
- [37] Jia, H., Xinyang, M., Oliver, M., Rui, X.Z. (2013). Business Group in China. *Journal of Corporate Finance*, 22(1), 166-192.
- [38] Kend M. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding. *Pacific Accounting Review*, 20(1), 49-62.
- [39] Khanna, T., Palepu, K. (2000). Is Group Affiliation Profitable in Emerging Markets? An Analysis of Diversified Business Groups, *Journal of Finance*, 55(2), 867-891.
- [40] Khanna, T., Rivkin, J. (2001). Ties that Bind Business Group: Evidence from an Emerging Economy. working Paper, Harvard Business School.
- [41] Khondkar, K., Ashok, R., Sang Hyun, S. (2015). Board Structure and Audit Committee Monitoring: Effects of Audit Committee Monitoring Incentives and Board Entrenchment on Audit Fees, 1-28.
- [42] Kim, J.B., Yi, C.H. (2005). Ownership Structure, business group affiliation, listing status, and earnings management: evidence from Korea. *Contemporary Accounting Research*, 23(2), 427-464.
- [43] Kouaib, A., Jarboui, A. (2014). External audit quality and ownership structure: interaction and impact on earnings management of industrial and commercial Tunisian sectors. *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, 19(37), 78-89.
- [44] Krishnan, G. V. (2003). Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management? *Accounting horizons*, 17(3), 1-16.
- [45] Lassoued, K., Bacha, I. (2015). The impact of quality audit on the management of earnings. *Corporate Ownership and Control*, 12(3), 146-154.
- [46] Lin, Z. J., Liu, M. (2009). The impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 18(1), 44-59.
- [47] Miko, N., Kamardin, H. (2015). Impact of Audit Committee and Audit Quality on Preventing Earnings Management in the Pre- and post- Nigerian Corporate Governance code 2011, *Management and Social Science Research*.
- [48] Muttakian, M.B., Khan, A., Getie Mihert, D. (2017). Business Group affiliation, Management and Audit Quality: Evidence from Bangladesh" *Managerial Auditing Journal*, 30(4/5), 427-444.
- [49] Palmrose, Z. (1986). Audit fees & audit or size: further evidence *Journal of Accounting Research*, 24(1), 97-110.
- [50] Paula Lopes, A. (2019). Audit Quality and Earnings Management: Evidence from Portugal. *Athens Journal of Business & Economics*, 4(2), 179-192.
- [51] Ronny Manos., Victor Murinde., Christopher J. Green. (2012). Dividend policy and business Groups: Evidence from Indian firms. *International Review of Economics and financial*, 21(1), 42-56.
- [52] Schauer, Paul C. (2010). The Effects of Industry Specialization on Audit Quality: An Examination Using....*Journal of Accounting and Finance Research*, Spring 2002.
- [53] Schipper, K. (1989). Commentary on Earnings Management. *Accounting Horizons*, 4(3), 91-102.
- [54] Stanley Jonathan, D. (2011). Is the Audit Fee Disclosure a Leading Indicator of Clients' Business Risk? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(3), 157-179.
- [55] Sun, J., & Liu, G. (2012). Auditor industry specialization, board governance, and earnings management. *Managerial Auditing Journal*, 28(1), 45-64.
- [56] Watkins, A. L., Willison, W., & Moorcroft, S. E. (2004). Audit quality: A synthesis of theory and empirical evidence. *Journal of accounting literature*, 23, 153-193.
- [57] Whelan, C. (2004). The impact of earnings management on the value relevance of earnings and book value: A comparison of short-term and long-term discretionary accrual. *Journal of Accounting and Economics*, 26, 63-82.
- [58] WY Sochi, Peter. (2010). Corporate compensation policies and audit fee. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1-2), 155-160.
- [59] Yang, Y.J., Kweh, Q.L., Lin, R.C. (2013). Earnings quality of business group firms: Evidence from Taiwan, *International Conference and on Accounting and Finance (AT): Proceedings. Global Science and Technology Forum*, 76.
- [60] Yu, W. (2008). Accounting-based earnings management and real activities manipulation (Doctoral dissertation, Georgia Institute of Technology).
- [61] Zhou, J. & R. Elder. (2002). Audit firm size, industry specialization, and earnings management by initial public offering firms. working pp. 91-102